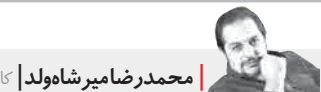


تماشاخانه

hotpen77@yahoo.com | کارتونیست



محمد رضامیر شاه‌ولد |



کارگاه طنز نویسی شهرونگ

را انجام داد تا در تله مادر بزرگ گیر نیفتد و بتواند به عنوان موجودی مجرد به زیست خود ادامه دهد، البته تعدادی از پسران هم هستند که علاقه مند به تشکیل خانواده و به قول پدر بزرگ عیالوار شدن هستند، اما چون نه ویلای شمال دارند و نه اسب سفید توسط دخترها (حتی خاله اقدس و دختر همسایه بالایی) رد می شوند و آخر سر تنها نصیبشان از خواستگاری همان چند تآموزی است که یواشکی برداشته اند. در آخر که به نظر من دخترها نباید دنبال ویلای شمال و ماشین و خانه باشند و همین که شوهرشان در خانه وای فای داشته باشد و بتواند توی بیو اینستاگرام شان ایموجی حلقه بگذارند؛ شیش هیچ از بقیه جلو افتاده اند. در ضمن خانم معلم شما هم این قدر به من لبخند زنن، مگر از جانم سیر شده باشم که شماره دایی ام را به شما بدهم.

این بود انشای من | از نینب یوسفی | بعد از تکراری شدن همه موضوعاتی که یک بچه ۱۲ ساله می تواند راجع به آنها چیزی بنویسد، این هفته خانم معلم قله های موفقیت را فتح کرده و از ما خواست راجع به امر خطیر از دواج بنویسیم. به نام خدا: از دواج از دواج مسأله مهمی است که ذهن تعداد کثیری از دختران و تعداد کمی از پسران را به خودش مشغول کرده است. مثلاً خاله اقدس من انواع کارهایی که به عقل جن و آدمیزاد می رسد و نمی رسد را انجام داد تا شوهر کند. از عمل کردن هر جایی که با عمل زیباتر می شود گرفته تا اکانت های مختلف درست کردن و آشناسدن با کیس های از دواج. آخرش هم به این نتیجه رسید که شوهر نیست و تصمیم گرفت به اخاذی کردن شارژ دوتومی با اکانت فیک سلبریتی ها بپردازد. اما از آن طرف دایی ام دو برابر همان کارها

خار مغیلان

نامه ای به فرزندم

فرزند عزیزم! حیوان باش!

درونی باش.
پاره تنم!
مورد قبلی را دروغ گفتم. گفتم یک وقت اگر زشت شدی، یقه من و مادرت را نگیری.
عزیز دل!
ترجیحا وارد سیاست نشو. رابطه قوی و ضعیف در سیاست مثل رابطه کوسه و انسان است. آدمها تمام عمر به تو می گویند کوسه ها ترسناکند و قاتلند و وحشی، ولی واقعیت این است که در سال کوسه ها تنها ۱۰ انسان را به قتل می رسانند اما انسان ها سالانه صدمیلیون کوسه را می کشند و تو همچنان فکر می کنی کوسه هلوحشی ترند.
فرزندنازنینم!
مانند پرند باش که روی شاخه سست و ضعیف لحظه ای می نشیند و آواز می خواند و احساس می کند که شاخه می لرزد، اما به آواز خواندن ادامه می دهد زیرا مطمئن است بال و پر دارد.
عزیز جانم!
اگر یک وقت روزنامه نگار شدی، مثل پدر حیوانت نباش که هر وقت کم می آورد به ستونش آب می بست. نصیحت قبلی به نقل از ویلا جملات زیبای بزرگان از ویکتور هوگو بود!

دختر دلبلندم!
خرچنگ ماده پس از جفت گیری همسر خود را می خورد. این دیگر تصمیمش با خودش است. من فقط از تونوه می خواستم.
پسر عزیزم!
بدان که پنگوئن هم با تمام پنگوئنیش اش دوماه تخم را نگه می دارد تا زنش برود و برای خودش غذا تهیه کند. اگر بچه دار شدی نمی گویم دوماه، نمی گویم یک ماه، نمی گویم یک هفته، لافل نیم ساعت بچه را نگه دار زنت برود غذا بخورد.
فرزند عزیزم!
مانند اختاپوس سه قلب داشته باش. یکی برای همسرت، یکی برای بچه هایت و دیگری برای کشورت. من و مادرت یک فکری به حال خودمان می کنیم.
فرزندم!
به طاووس نگاه کن که چطور پرها ی زیبایش را باز می کند و با غرور و تکبر قدم می زند! ولی همین طاووس فایده اش چیست؟ هیچی. حالا به کرکس نگاه کن؛ او حیوانی است که به حیوانات تند رست حمله نمی کند و با خوردن لاشه بقیه از گندیدگی و عفونت زایی جلوگیری می کند و برای کره زمین بسیار سودمند است. پس بدان که صورت زیبایی ظاهر، هیچ نیست و زیبایی باید

آیدین سیار سر بیع
طنز نویس

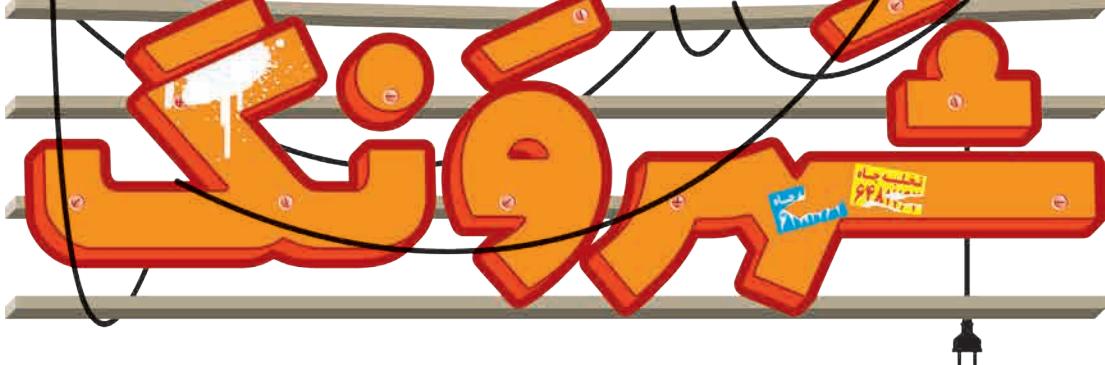


فرزند عزیزم! معمولا پدرها به فرزندان شان توصیه می کنند که انسان باشند، ولی من امروز می خواهم به تو بگویم که حیوان باشی. تا زمانی که تو به دنیا بیایی و بزرگ شوی، طبق تخمین هایی که زده شده انسانیت به کلی از بین می رود و تو ناچاری که حیوانات را سرلوحه قرار بدهی، پس چند توصیه حیوانی به تو می کنم.
فرزند عزیزم!
از آنجایی که ممکن است وقتی بزرگ شدی خونخوار و بی رحم شوی، توصیه می کنم که مانند زالو باشی، چون زالو هم در سال تنها دو تا سه سانتیمتر مکعب خون می مکد و من تعجب می کنم که چطور بعضی هالیتز لیتز خون بقیه را در شیشه می کنند و بعدش فرار می کنند خارج.
فرزند عزیزم!
بدان که سوسکها بدون سر و مغز و متعلقاتش تنها تا ۹ روز می توانند زنده بمانند. در عجبم که چطور بعضی ها بدون مغز یک عمر زنده می مانند. از این جهت سوسک را سرلوحه خودت قرار بده، ولی در زندگی مردم فضولی نکن و مثل سوسک کثافت خوری نکن.

توی دنیای پر از اندوه و جنگ خنده کرد و داد پاسخ: «شهرونگ»

پیر را گفتم: به ما شد عرصه تنگ جز شکیبایی چه باشد راهکار؟

صفحه روزانه طنز و کارتون | شماره نهصد و ششم



واردات آمپول تستسترون تحت عنوان پودر نارگیل و کاکائو به کشور

وارد کننده: بذارید به حساب نجابتم نه خباتم!

◀ پودر نارگیل: لااقل به اون بیمار می گفتید که من رواشتباهی تزریق نکنه به خودش!
◀ پودر کاکائو: داداش بخورم، ولی توقع خاصی نداشته باش!
◀ یک دلال: منم دسته بیل ثبت می کنم، خود رو هشت سیلندر وارد می کنم!
◀ مردم: الان با خیال راحت پودر نارگیل و کاکائو بخوریم یا نه؟!
چه _ فرقی _ میکنه _ مهم _ سوده _ پودر _ شدیم _ شهرونگ

علیرغم کاهش تورم، چرا مردم آن را در زندگی خود احساس نمی کنند؟

یک کارمند: بذارید بدهی های اون موج قبلی تورم رو بدم بعدش سعی می کنم احساس کنم!

◀ یک جوان: زندگی در ایران به من یاد داد که نباید گول احساس ام را بخورم!
◀ مردم: چون جوری زخمی شدیم که خیلی طول می کشه جاش خوب شه!
◀ یک روانپزشک: بعد از ضربه های سخت، طول می کشه احساسات آدم به حالت اول برگرده (بابت همین جمله، ۲۰۰ هزار بریزید به حسابم)!
◀ مردم: حالا واقعا نمی دونید چرا یاسر کارمون گذاشتید؟!
احساس _ بی _ حسی _ حس _ تورم _ شهرونگ

کوجه اول

تهران ایز لودینگ | امیر مسعود فلاح | هفته تهران است. تهران هنوز کامل شهر نشده و یک مقدار کمی دارودرخت و باغ باغ لابه لاش مانده و یک مقدار کوه درویش. رودها و مسیل های انگشت شماری هم مانده که خشکانه نشده و تغییر کاربری داده نشده. آن قسمتی هم که حالت شهری پیدا کرده، یک مقدار کمی بناهای قدیمی و خانه های حیاط دار سنتی دارد که جلوی مدرن شدن کامل شهر را گرفته چند تایی میدان و خیابان و محله هم هست که هنوز اسم های قدیمی شان را دارند که جای تأسف دارد. یک سری کتابفروشی هم هستند که مذبح خانه در برابر فست فودی شدن مقاومت می کنند. برخی کوجه ها هنوز در آنها برج و مال ساخته نشده؛ توسعه شهر هم با محدودیت و کارشکنی مواجه شده و برای آن حدومر «مناطق ۲۲ گانه» تعیین کرده اند؛ چه اشکالی دارد شهر توسعه پیدا کند و بیش از ۲۲ منطقه شود؟ اگر این توسعه از چهار جهت جغرافیایی باشد، توسعه پایدار خواهد بود. به امید رفع این موانع و معایب و لود شدن کامل تهران.



شهر فرنگ | میخائیل زلاتکوفسکی | کارتونیست



سنگ مفت، حرف مفت! |

کبریت بی خطر!

شهرام شهیدی
طنز نویس

• گفتم: مطلبم در مورد اخطار به پت شاپ ها برای جلوگیری از کارشان است. گفت: واقعا امروز مشکل ما سگ و گربه است؟ گفتم: خب در مورد محیط زیست بنویسم. گفت: این همه نوشتی چی شد؟ چیزی حل شد؟ گفتم: اگر اجازه بدهید نگاه جدیدی به موضوع حقوق زنان و ورودشان به ورزشگاه ها بنویسم. گفت: بعید می دانم این درد امروز جامعه ما باشد. گفتم: سیاست. خارجی... گفت: نه! گفتم: مدیران سیاسی در فوتبال، اختلاس و فساد در سیستم مالی کشور، بروز فاصله طبقاتی، بحران غذا و... گفت: نه! گفتم: شهرداری، پول سیاه در سینما، اوضاع بازار ارز و... گفت: نه! گفتم: فقط می ماند نوشتن در مورد زندگی مورچه های نیش زن. گفت: آهان. این شد مطلب. هم به روز است، هم تازه است، هم بی دردسر است، هم مشکل امروز است، هم گونه جانوری بومی ایران است، هم تبعات ندارد، هم زیست محیطی است، هم اجتماعی است، هم کشاورزی است و هم در عین حال نیش دارد. آفرین. برو در مورد این مورچه ها طنز بنویس!

• راستش من فکر می کردم کبریت بی خطر کبریتی است که با حذف کردن فسفر قرمز از چوب کبریت و اضافه کردن آن به قوطی به وجود آمده تا با اولین تماس چوب کبریت با هر وسیله ای مشتعل نشود و آتش سوزی رخ ندهد؛ اما امروز فهمیدم زهی خیال باطل. کبریت بی خطر در واقع آن کبریتی است که اصلا روشن نشود.
• تقویم را ورق زدیم «روز جهانی پست» است. بدو بدو رفتم دفترش. پرسیدم: میشه بی خیال «مورچه نیش زن» بشیم و در مورد روز جهانی پست بنویسیم؟ جواب داد: نه؛ بعد باید به همه توضیح بدیم منظورمون نامه فلانی به فلانی نبوده، ریفیش که تو اتاق بود گفت: آخی. مگه هنوز کسی نامه هم می نویسه؟ دیدم راست می گوید. اگر برخی سیاستمداران نبودند که به رقیبان شان و به روسای جمهوری دنیا نامه بنویسند، الان کلی آدم در اداره پست بیکار می شدند.

• و همان دوست می گفت: اتفاقا خیلی از زردها هم بیکار شده اند. آن وقت الکسی در روزنامه های تان می نویسد میزان سرقت در کشور افزایش پیدا کرده. اتفاقا خیلی از سارقان با آویختن وسایل دزدی شان رو به مشاغل دیگری آورده اند. پرسیدم: چرا بی خیال دزدی شده اند؟ گفت: چون با این قیمت ارز و سکه دیگه سرقت از بانک هم صرفه اقتصادی نداره چه برسه سرقت های خرده پا و سرپایی!
• و این روزها به هر مدیری می رسی، سلام نکرده می گوید: ما باید به فکر مطالبات کارگران باشیم! باید عرض کنم دست شما درد نکند. حالا اگر فکر مطالبات شان هم نیستید لااقل فکر بدھکاری های شان باشید؛ چون بدهی آنها در واقع مطالبات عده دیگری از مردم است و این زنجیره همین طور می چرخد.